

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۰ دسمبر ۲۰۲۲

بیداد فقر و برف خاکستری!

پنجشنبه - ۰۸ جدی ۱۴۰۱ - کابل: یادداشت امروز را می خواهم در رابطه اولین بارش برف در شهر کابل و بیداد فقر، سرما و گرسنگی در سراسر افغانستان بنویسم، اما قبل از آن:

هموطنان گرامی!

آنهایی که در شهر کابل و بقیه شهر های بزرگ نمی گویم زندگانی می کنند بلکه آگاهانه قید می کنم "نفس می کشند" می دانند که وقتی در حیات شهری، بیش از ۲۲ ساعت در روز برق نباشد چه در بلند منزل ها و چه هم در خانه های حویلی دار، تحرک حیاتی انسان در بسا امور به صفر می رسد، بدون آن که مشکلاتی را که اعضای خانواده از نبودن برق با آن دست و گریبان اند نادیده بگیرم و یا به آن کم بها دهم، صرف در مورد ادامه کار خودم، وقتی نه "ایپید" چارج داشته باشد و نه تلفون دستی، مسلم است که نوشت و خوانی هم نمی تواند صورت گیرد.

از همین رو صمیمانه خدمت تمام خوانندگان گرامی به عرض می رسانم که اگر در چنین فضائی، گاهی نتوانستم یادداشت‌هایم را تقدیم دارم، فکر نکنید تنبل، بی علاقه و یا وظیفه ناشناس شده ام و یا "هفت کوه سیاه در بین" به چنگ امر به امر به معروف و محتسبان طالب گرفتار شده ام، بلکه در گام نخست "خوشبینانه" به قضیه نگرینسته با گفتن "ان شاء الله" پای برق در میان باشد شگون بد نزنید. چون در این روز ها خطر این که انسان را بی برقی از کار ببندازد، بیشتر از خطر دستگیری توسط طالب است، هر چه نباشد آنها دنبال رقبای مسلح شان و پول جمع کردن هستند و خوشبختانه وقتی برای آدمهائی چون این قلم ندارند، هر چند تا جائی که شنیده ام از که این شعار "مرگ بر طالب" را ارائه کرده ام، "دندان قرچک" می نمایند.

و اما به ارتباط بارش برف:

از نیمه های شب گذشته، باریدن برف آغاز یافت، اگر کسی در همان ساعت دقت نموده باشد حتماً متوجه شده است که رنگ پاغنده های برف الی یک ساعت، سفید نبود تا مردم بگویند "مثل برف سفید است"، بلکه هرچه فرود می آمد رنگ آن خاکستری بود توگونی طبیعت بابت رنج و مصیبت مردم ماتم گرفته، سفیدی برفش را با رنگ سیاه عزاداری آلوده نموده است.

علت تغییر رنگ برف به خاکستری، چیزی نبود به غیر از آلودگی هوای کابل در چند روز گذشته. چه علی رغم آن که تعداد زیادی از ساکنان بلند منزل ها به علت بالا رفتن مواد تسخین از ۲۵۰ دالر امریکائی به ۷۵۰ دالر منازل شان را ترک نموده و می خواهند زمستان را در روستا ها و یا خانه های کرائی ارزان قیمت سپری نمایند و در نتیجه نقش آنها

در آلودگی هوا نسبت به سالهای گذشته کاهش یافته، با آنهم نبودن برق و افتادن تمام فشار بالای چوب، زغال سنگ، موبل آیل سوخته و پلاستیک، باعث شده بود که در روز های اخیر هوای شهر برای تنفس غیر صحی و حتا کشنده بگردد.

با در نظر داشت این نکته، فکر می کنم ضرب المثل کابلی "کابل بی زر باشه و بی برف نه" اگر تا دیروز به خاطر تکمیل ذخایر آبهای زیر زمینی، شکستادن هوا و حفظ کشت تیر ماهی از سرمای زمستان بود، حالا به خاطر آوردن صد ها هزار تن کاربن دای آکساید به زمین و پاک ساختن هوا حد اکثر برای دو سه روز نیز باشد.

اما این که ضرب المثل "کابل بی زر باشه و بی برف نه" آیا در تمام موارد و برای همه یک سان بوده تا جایی که من از درسهای صنوف دوم و سوم مکتب ابتدائی خود به خاطر دارم این طور نبوده است. یعنی هرچند کسی به صورت مستقیم از برف بدگویی نمی کرد مگر شعر "بخوان بخوان بلبلیک" که توسط گرامی یاد "آصف مایل" در کتاب آورده شده بود، تلویحاً نشان می داد که برف برای همه خوشایند نبوده، یعنی در حالی که برای زمین داران حیثیت طلا را داشته مگر برای غربا حکم مرگ را داشته است. به این ابیات از همان درس توجه نمائید:

بخوان بخوان بلبلیک برف زمستان گذشت

صندلی برداشته شد مرگ غریبان گذشت

هرگاه واقعینانه و دور از تعصب تنها به همین شعر دقت نمائیم متوجه می شویم در شرایطی که صحبت از تفاوت ها و تضادهای طبقاتی نزد "خاندانی" جرم بود، عناصر متعهد چگونه افکار سازنده ای را در لا به لای دروس می گنجانیدند، هرگاه آن دروس را با مطالبی که حین اشغال از طرف تعدادی وطنفروش و خود فروش به نام کتب درسی تدوین شد، مقایسه نمائیم متوجه اهمیت کار آنها در پرورش نسل های بیشتر از ما و ما خواهیم شد.

هموطنان گرامی!

یادداشت امروز را به خاطری به باریدن برف و آمدن سرما اختصاص دادم و از جنایت طالب و قحطی و قیمتی چیزی نگفتم که توجه همه ما را به زندگی رقتبار همسایه ها، چه آنانی که بر روی خود می آورند و چه آنانی که با سیلی رخسار شان را سرخ می نمایند تا کسی متوجه رنگ پریده آنها نگردد، جلب نموده باشم.

در شرایطی که رهبران طالب و نظام ملاسالار قسم خورده اند که مردم افغانستان به خصوص باشندگان کابل و بقیه شهر های بزرگ را از گرسنگی، بیکاری و سرما بکشند، ما باید متوجه باشیم که حتا اگر پای انسانیت و عطوفت هم در میان نباشد از آنجائی که طالب را فقط می توان با تکیه بر مردم نابود نمود می باید بکوشیم تا مردم زنده مانده، سرما و گرسنگی آنها را تلف نسازد.

تا جایی که دیده می شود طالب تصمیم گرفته تا در این زمستان مردم بی دفاع را توسط بیکاری، گرسنگی و سرما چنان کشتار نماید که در طی ۴ دهه اخیر روس و امریکا بدان حد نتوانسته اند. طالب می خواهد با این سلاح ترکیبی خودش و طبیعت، کتله های وسیعی از مردم ما را بکشد و یا وادار به فرار نماید تا در کشور کسی نماند با آنها مخالفت نماید. آنچه می تواند در چنین شرایطی ما را از مرگ و نابودی نجات دهد، اتحاد و همبستگی و کمک برادرانه با یک دیگر می باشد، مطمئن باشید هرگاه ما خود به کمک یک دیگر نشتابیم هیچ خدائی نه زمینی و نه آسمانی دست ما را نخواهد گرفت.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!
مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!